



Photos Unesco - J. Chevalier

در شهر قدیمی پستوم در جنوب لابل، معبد بزرگ معروف به معبد «نیون» (عکس زیر) در حدود اواسط قرن پنجم پیش از میلاد از روی نمونه «پارتون» در آن ساخته شد. این یکی از آخرین آثاری است که مهاجران یونانی که در اواخر قرن هفتم پیش از میلاد شهر «پوزیدولیا» را تأسیس کرده بودند در این مکان از خود به یادگار گذاشتند و در اواخر قرن پنجم پیش از میلاد مردم بومی آن مکان لوگانی‌ها، شهر مزبور را تصرف و آوار کردند. در مجاورت این معبد فرستادن وسیعی از عهد باستان وجود دارد. در حدود هزار قبر در این گورستان مورد کاوش واقع شده (عکس پایین). روی دیواره‌های ۵۰ قبر، نقاشی‌هایی وجود دارد که تقریباً سال‌ها باقی مانده و تنها آثار نقاشی‌های دیواری است که از دوره قدیم یونان باستان ما رسیده است.

پستوم

نخستین نقاشی‌های دیواری سبک یونان باستان که تا این تاریخ بدست ما رسیده است

نوشته میشل کونیل لاکوست

اطلاعات ما راجع به گسترش فوق‌العاده هنر نقاشی در یونان، در فرون ۵ و ۴، پیش از میلاد تا کنون به چند لوحه از جنس گسل پخته منتقل، چند اثر رنگ آمیزی روی قطعه‌هایی از پوشش دیوارها، چند داستان کوتاه راجع به پولیکتوت (نقاش یونانی قرن ۵ پ. م.)، زوپیکس (نقاش یونانی ۴۹۸-۴۶۴ پ. م.) یا اوفرانور (نقاش یونانی قرن ۵ پ. م.) منسخر می‌شد. از نقاشی‌های دیواری زیبایی دوران کلاسیک یونان (قرن ۵ و ۴ پ. م.) که مورد ستایش پلین (نویسنده معروف رومی مولد در سال ۲۳ بعد از میلاد) واقع شده چیزی برای ما باقی نمانده است.

قسمتی از مشاطی کوچکی که روی دیواره‌های مدخل بزرگ آگروبول در آتن نقاشی شده بود و یا تابلوهایی که نزد اشخاص در یونان یا نزد مهاجران یونانی بقیه در صفحه بعد

مشل کونیل لاکوست Michel Conil Lacoste

مقد و مورخ هنری است که با چندین تشریح هنری و ادبی همکاری دارد. کتاب «بیکس سازی امروز در اروپا» (چاپ گوته، اشتوتگارت، ۱۹۶۶) یکی از تألیفات اوست. وی از ۱۹۶۷ تا ۱۹۶۹ صدی بخش همکاری بین‌المللی به خاطر فلورانس و ونیز را در یونسکو برعهده داشت. با تفاق رولاند اندریان گزارش یونسکو را درباره ونیز تهیه کرد (چاپ Mondadori مورخ ۱۹۶۹) که بزودی بوسیله مؤسسه «برلانون» منتشر خواهد شد.

مشل کونیل لاکوست اکنون در بخش اشاعت بین‌المللی فرهنگ در یونسکو مشغول کار است.



Photo © René Barre - Magnum, Paris



این مجلس بزم (عکس بالا) زینت بخش کهن ترین گورنقش داراست که در پستوم پست آمده. این قبر به سبب موسیقی که روی سرپوش آن نقش شده (عکس زیر) به گور شیرچه پرنده موسوم است. مجلس بزم مربوط به مراسم تدفین مردگان در حدود ۶۸۰ پیش از میلاد نقاشی شده و نمونه‌ای از هنر نقاشی یونان است که تا سال ۱۹۶۸ جز بوسیله ظروف نقاش دار مکتوب در آن، بر آن اطلاعاتی در اختیار بود. در این نقش ده جوان یونانی بنوای موسیقی گوش می‌دهند و باده گساری و گفت‌وگو می‌کنند. نقش جوانی که در آب شیرچه می‌رود و قسمتی از صحنه مربوط به آن در اینجا نشان داده شده، با سادگی حیرت‌انگیزی ترسیم گردیده است؛ نورنمای تپه‌ای که در افق قرار دارد و درختی که به سبک تصنعی نقش شده با نیروی طبیعی جوانی که در آب می‌رود، تضاد بخصوصی ایجاد کرده‌اند.



بر جای پای یونان نقاشی های لوکانی

لوکانی های قرن چهارم پیش از میلاد روی لوحه های دیواره های فیدورگورستان پستوم نقاشی های از خود باقی گذاشته اند. جنگ و پیروزی موضوع بسیاری از این نقاشی ها را تشکیل می دهد. درسوی راست این صحنه یک رزم آور را که با فرود مخصوصی برآب سوار است، می بینیم. در بالای صحنه مقابل فرشته بالدار دیده می شود که گردنهای را می راند. در پایین همان صحنه گردنهای چهارسه بر درحال حرکت نشان داده شده است. در متناسبی سوی چپ نقش فرشته بالدار، شاخه های درخت آلابر تزیین شده و می دانیم که آلابر نشانه تجدید حیات و پنده زندگی در دنیای دیگر است. نقاشان لوکانی از تصاویر روی ظروف سفالین یونانی که در شهر نارات (جنوب ایتالیا) ساخته می شد، الهام گرفته اند. ولی برخلاف نقاشان یونانی گوشه گوشه رنگ های متضاد را در برابر هم قرار دهند. در زیر این صحنه قهرمانی که در پستوم کشف شده دیده می شود. طول آنها یک متر و ۸۰ سانتیمتر و عرضشان یک متر است. ۱۵۰ لوحه دیواره های قبر متعلق در این ناحیه بدست آمده و اصول هنر نقاشی یونانی با لوکانی و یونانی را بر ما بیان ساخته است. پایین حال کشف این گورها یکی از بزرگترین اکتشافات باستان شناسی در سالهای اخیر بشمار می رود.



Photos Ureaso - I. Chevalier



کردن راه خود می نماید و در عین حال به ما اطلاعاتی رایج به پستوم یونانی در بارهٔ فرهنگ و زندگی می دهد.

موضوع بسیار جالبی تصویر است که بر روی قبر نبوده شده، قرار دارد. این تصویر جوان وزریدگی را نشان می دهد که در میان دریا و آسمان قرار گرفته، زیرا از بالای محلی که برای شیره گرفتن در آب، بین دو درخت نازک و خمیده ساخته شده، خود را در فضا پرتاب کرده و قصد دارد که با سردآب دریا فرود آید. همچنین مناسب این قبر را بنام او قبر شیره رونده دیا تو مابلد نوقاتور، نام نبوده اند. فرسوز «مار یونانی» رئیس باستان شناسی ناحیه سالرن - پستوم، که کاوش های این محل را اداره می کرد، به دو نظر گرفتند یعنی خصوصیات مربوط به مسک هنری این نقاشی ها، و شکل انشایی که در این قبر کشف شده، مانند شکل نشان دادن چشمها و عضلات، خصوصاً گردن طرفی که در داخل قبر و بدست آمده، تاریخ این قبر را تعیین کرد و به این طریق معلوم شد که قبر مربوط متعلق به حدود ۴۸۰ پیش از میلاد است.

این صحنه پستوم خوزه «پستوم» نامیده می شد و در کنار خلیج سالرن در حدود ۸۰ کیلومتر در جنوب شهر کنونی قرار

کشف شده بود کاملاً شامیز می کردند ولی به عکس به مجالس نقاشی شده روی ظروف گلی دوران کلاسیک یونان (قرن ۴ و ۵ پ. م.) خیلی نزدیک است. موضوع تصویری که ضیافت می شود به تدفین مردگان را نشان می دهد و روی دو دیوارهٔ چپ و راست قبر مورد بحث نقش شده بسیار جالب است. رنگ تصاویر قرمز سیاه، زرد و آبی است. در این مجلس دو نفر که بنام سنن یونانی تاجی از برگ کشمشاد بر سر نهاده اند و پستی از آنها ریش دارند دراز کشیده و بر آنزنجشان تکیه کرده اند. قسمت بالای بدنشان برهنه است و به نوعی موسیقی گوش می دهند و در همان زمان مشغول بازی «کوتابوس» هستند (این بازی چینی بود که جام های پس از شراب را با حرکتی همانند آکروباتی به حلق خود می ریختند) و روی تخت خوابهایی که موسسهٔ پاک خط آبی می کشند نقش شده، حالت نشان را بخود گرفته اند. روی تخته سنگهای بالا و پایین قبر پاک نیز در جلوی دسته عزاداران در حرکت است و پاک ساقی برای «سفران شراب» می برد. سادگی حرکت، ترکیب عالمانه خطوط و رنگها که احساس می شود با هم سازگارند و خصوصیات این تصاویرند که شانهٔ نخستین کامیابی هستند که هنر نقاشی برای پیشا

در خارج از یونان وجود داشت. در نتیجه جنگها و قسمت دیگر به سبب برداشتن پستوم این نقاشی ها از بین رفت و آنچه را که باقی مانده بود رومی ها به غارت بردند. چون ما اصل نقاشی های یونانی را در دست نداشتیم ناچار بودیم در بارهٔ آن آرزوی مجالس نقاشی شده در روی ظروف گلی همان دوران پس از روی پستی از نمونه های روسی که از آن به طریق نامناسبی الهام گرفته بودند، عبادت کنیم. این وضعی بود که تا ژوئن ۱۹۶۸ ادامه داشت. در یکی از روزهای این ماه ضمن کاوش های دفینی که در قبرستانی واقع در فاصله ۱۵۰۰ متر در جنوب حصار این شهر قدیمی یونانی که نزدیک سالرن در ایتالیا است، انجام گرفت به قبر شماره ۴ برخوردند و نقاشی های در دیواره های طرفین دخمه ظاهر گردید که تاریخ خود را به وضوح حیرت انگیزی حفظ کرده بود و موضوع این نقاشی ها برآسب پذیرایی و تقدیم هدایا و نذران بود که بنابر سنن یونانی هنگام تدفین مردگان صورت می گرفت و این نقاشی های دیواری از دو هزار و پانصد سال پیش در این مکان سالم باقی مانده بودند. در سفر اول این هیئت علمی میسر از زیارت قبرهای ناشناسی از مردم دوران کلاسیک



داشت و از جمله مهم‌ترین شهرهایی بود که مهاجران یونانی در ایتالیا به وجود آورده بودند. تمام تأسیسات آن شهر، زبان، مذهب و هنرهای آن یونانی بود و هنوز مردم کوهستین لوکانی از ارتقاعات مجاور که محل سکونتشان بود، به سوی ساحل دریا سرازیر شده بودند، قبا قدرت را از دست نمایندگان آن بیرون آوردند. بنابراین نقاشی‌های قبر شیره‌رونده از نظر سبک هنری و خصوصیات فرنگی و حتی سیاسی، یونانی تلقی می‌شوند و سازنده آن پادشاه یونانی بوده است.

چنین اکتشافی تاکنون نظیر نداشته است زیرا بنا به گفته «ماریونابولی» این به‌تسا نخستین اثر نقاشی یونانی دوران آرکاگیک (قرن ۷ و ۶ پیش از میلاد) و کلاسیک (قرن ۵ و ۴) یونان است که تاکنون بدست ما رسیده، بلکه نمونه منحصر بفردی از این نوع نقاشی‌هاست.

فرانسوا ویلاز، ویلاز، متخصص فرانسوی در هنر قدیم یونان در کتاب «یونان دوره کلاسیک» از مجموعه (چهار شکل‌ها) نوشته است: «داتا جدیدترین اکتشافی ستوم (...). قبری که از ۴۸۰ پیش از میلاد است و شامل تصاویری است که با قدرت بیجان حیرت‌انگیزی نقش شده‌اند (...). ما هیچ نمونه‌ای از نقاشی یونان قدیم حتی از یک نقاشی درجه دوم هم در دست

نداشتیم»
 از جهت دیگری نیز این کشف اهمیت فراوان دارد و آن این است که ما هیچ اطلاعی از سنن وابسته به نقاشی‌های مربوط به قدیم مردگان در یونان نداشتیم. قبرهایی از قرن چهارم پیش از میلاد پیدا شده بود که در آن تصاویری متوشن بود ولی این قبور مربوط به سواخی اطراف یونان اصلی بودند، مانند «پورتا کور» و حومه «تارانت» و ناحیه پوی (در جنوب ایتالیا). به علاوه خصوصیات تصاویر مربوط بیشتر از کبکی از نقوش هندسی بود. از سوی دیگر نقاشی‌های مربوط به قدیم مردگان در ناحیه «اتروری» بیشتر از تشریفات مذهبی خاص مردم آن سرزمین الهامی گرفت، بدون اینکه بتوان آنها را با موضوع‌های بسیار زنده قبر شیره‌رونده مقایسه کرد. ولی در لوکانی قبر «معمس» سنن مربوط به تشریفات تدفین مردگان خیلی با روح است. تضاد بین سنن مخصوص دو ملت را ماریونابولی و «تدین» تفسیر کرده‌اند: نخست همکارانش به دو طریق تفسیر کرده‌اند: نخست اینکه شاید یکی از ساکنان غیر یونانی در ستوم که قطعا شخصیت مهم بوده، در زمانی که یونان برای ناحیه تسلط داشته، به این اختیار ناائل آمده است که بنا بر سنن مولد اصلیتی بخدا سپرده شود. توجیه دوم که با توجیه نخستین تضاد

دارد مربوط به مذهب‌های فرسبه هیتاگور است و نابار آن سموی شیره‌روشن در آب دریا جنبه مذهبی دارد و با فرودتن در تاریکی، دریا دیگر نزدیک می‌شود. به این دلیل ممکن است شخص ستومی در زمره مریدان هیتاگور در ناحیه ستوم بوده است.

در آن هنگام که این کشف مهم در ستوم رخ می‌داد، باستان‌شناسان ایتالیایی با مسود دیگری مواجه شدند که حائز اهمیت کثر نبود. در ۱۲ ژوئیه ۱۹۶۹ به ماریونابولی اطلاع دادند که شخصی بنام دلویسی فرانکو، موقعی که در زمین زراعتی خود مشغول زیردو کردن خاک برای کاشتن آرتیشو بوده به قبر جدیدی برخورد کرده است که به فاصله ۳۰۰ متر در شمال حصار شهر قدیم قرار دارد. این قبر کاملاً خالی بود ولی در همین ناحیه در نتیجه کاوش‌هایی که در مدت سه‌ماه متر در نتیجه کاوش‌هایی که در مدت سه‌ماه انجام گرفت ۸۳ قبر پیدا شد. روی دیوارهای پنجاه عدد از این قبور تصاویری نقش بسته بود و از میان آنها نقاشی‌های ۳۰ قبر کاملاً سالم مانده بود و جز در ۴ یا ۵ مورد در تمام قبور ظروف بدست آمد که به باستان‌شناسان اجازه داد تاریخ آن گورستان را حوالی ۴۳۰ پیش از میلاد تشخیص دهند. سرپوش قبرهای جدید

